

فیلم‌هایی که در جشنواره فجر بهترین شدند

جشنواره‌ای که جشنواره شد!



عکس نمایی از فیلم سنی / مهرورز

ملودرام‌های برنده
تردید!!!

تردید واروژ کریم‌مسیحی رسید. تردید که دومین ساخته کریم‌مسیحی پس از گذشت ۱۸ سال از نخستین فیلمش با عنوان پرده آخر بود، اقتباسی ازاد بود از نمایشنامه هملت ویلیام شکسپیر که ترانه‌علیدوستی، بهرام‌رادان، حامد کمیلی، مهتاب کرامتی و اوشیروان ارجمند در آن بازی کرده بودند.

در دوره سسی‌دوم نیز داوران جشنواره به ملودرامی جذاب روی خوش نشان دادند. این فیلم آذر، شهذخت، پرویز و دیگران نام داشت که براساس داستانی از مرجان شیرمحمدی جلوی دوربین رفته بود. این فیلم که مهدی فخری زاده، گوهر خیراندیش، رامبد جوان، مرجان شیرمحمدی و مانی حقیقی در آن ایفای نقش کرده بودند، بهروز افخمی را به نخستین سیمرخ زندگی‌اش رساند.

رخ دیوانه ابوالحسن داوودی برنده دوره سسی‌سوم بود. رخ دیوانه ملودرامی جذاب با روایتی متفاوت بود که بازیگرانی چون طناز طباطبایی، بیژن امکانیان، صابر ابر، نازنین بیاتی، گوهر خیراندیش، ساعد سهیلی و امیر جدیدی در آن ایفای نقش کرده بودند.

علاوه بر این پنج دوره در ششمین دوره جشنواره هم یک ملودرام به افتخاری قابل ذکر دست یافت. در این دوره دو فیلم کانی مانگا و پرده کوچک خوشبختی به‌عنوان بهترین فیلم این دوره انتخاب شدند. پرده کوچک خوشبختی به کارگردانی پوران درخشنده ملودرامی درباره رابطه مادر- فرزند یک معلم با دانش آموز توانش بود که در آن هاروستا، جمیله شیخی، شهلا ریاحی و امین تارخ بازی کرده بودند.



عکس از فیلم آذر / شهذخت و دیگران

ششم، دوازدهم و سیم‌ام که بهترین فیلم در جشنواره انتخاب نشد برندگان دوازدهم دیگر جشنواره را می‌توان از این نظر تحلیل و ردیابی سلیقه‌ی خاص و تک‌بعدی را در توجه جشنواره به آنها ردیابی کرد.

البته جز این تقسیم‌بندی موضوعی، سلیقه مدیران سینمایی در نادیده گرفتن تمام بزرگان سینمای قبل از انقلاب نیز نمودی عریان دارد. در واقع این حقیقت که از سسی‌وچهار جایزه بهترین فیلم جشنواره فیلم فجر فقط یک جایزه به مسعود کیمیایی، یکی به داریوش مهرجویی و دو جایزه به بهمن فرمان آرا تعلق گرفته در حالی که آشناری چون مرگ بزرگ، باشو غریبه کوچک و سگ کشتی، از بیضایی، ناندا خورشید وای اجارنشین‌ها، هامون، سارا، بانو، لیلیا و حتی سنتوری حاضر بوده‌اند نشان از این واقعیت تلخ دارد که نسل سینماگران نیز در این که بتوانند سیمرخ بهترین فیلم را دریافت کنند یا نه، از مهم‌ترین فاکتورهای جشنواره بوده‌است.

جشنواره به‌خصوص در بخش بهترین فیلم، در واقع نامه دستورالعمل مدیران به تهیه‌کنندگان قلمداد می‌شود که چگونه تولیداتی را می‌پسندند و به عبارتی بهتر تولیدات سال آتی سینمای ایران در چه جهتی باید باشند. چنین نگاهی به جشنواره بود که باعث می‌شد برنده شدن هر فیلمی در بخش بهترین فیلم انبوه فیلم‌هایی با فضا و مضمون آن فیلم را در یکی - دوسال آتی در بی داشته باشد.

سال‌هاست که دیگر جشنواره فیلم فجر این کارکردهای غیرجشنواره‌ای را از دست داده و بدل شده به آن چه باید باشد. یعنی یک جشنواره که محل رقابت آثار است که سازندگانشان مایلند در این رقابت حاضر باشند. این جشنواره دیگر شرط لازم برای آکران شدن فیلم نیست. دیگر ویرترین کلیت سینمای ایران نیست؛ دیگر آینه دستورالعمل‌ها و آمال مدیران برای سینمای سال آتی نیست و... دیگر خیلی چیزهای دیگر نیست. اما در عین حال هنوز مهم‌ترین رخداد سینمای ایران سرزمین است و همچنین بخش بهترین فیلم جشنواره هنوز آینه‌ای است برای تماشای سلیقه مدیران سینمایی که برنده شدن در این بخش می‌تواند مزایای

امین فرج پور زمانی جشنواره فجر حرف اول و آخر را در سینمای ایران می‌زد. این جشنواره نه تنها ویرترین سینمای ایران لقب گرفته بود که در عین حال به مثابه مجوزی بود برای فیلم‌هایی که می‌خواستند روی پرده بروند. در حقیقت فیلمی که به هر بهانه‌ای آماده نمی‌شد و در جشنواره شرکت نمی‌کرد، اگر آن سال بعد از آن دست می‌داد و برای این که بتواند روی پرده آید، مجبور بود یکسال منتظر بنشیند تا شاید در جشنواره بعد فجر بتواند نام خود را در فهرست فیلم‌هایی که می‌توانند آکران شوند، ببیند. جشنواره فجر در عین حال آینه‌ای بود برای نشان دادن علائق و سلیقه مدیران و مسئولانی که می‌خواستند چرخ‌ها را از نو اختراع کنند و سینمای ایران را به شانه‌ها برسانند. به‌وضع و حال امروز رسیده برای چنان مدیرانی جشنواره فیلم فجر مکانی بود برای به نمایش گذاشتن دلخواسته‌هایشان یا یک بوم نقاشی وسیع - و به‌سعت تمام سینمای ایران - که قرار بود نشان دهد علائق مدیران وقت برای جهت‌گیری سینما در سال آتی به کدام‌سوی میل می‌کند. به همین دلیل هم بود که انتخاب‌های

سینمای دفاع مقدس؛ محبوب جشنواره

محبوبیت غریب مردی از تبار خون...

طبیعی است سینمای دفاع مقدس ژانر محبوب مدیران ایران باشد. هر چه باشد این تنها ژانری است که در بی حمایت‌های مدیران به گرفته و لان هر فیلم آبرومندی که در این گونه ساخته شود، می‌توان گفت حاصل دست‌نرخ مدیرانی است که در دوره‌های نه‌چندان کوتاه نوع حمایت‌ها را از این گونه به عمل آورند.

تاکنون از بیست‌وهشت سیمرخ بهترین فیلم که به فیلم‌ها داده شده، نه سیمرخ و یک انتخاب مشترک حاصل دست‌نرخ مدیرانی دفاع مقدس از جشنواره است و همین محبوبیت این نوع فیلم‌ها، مدیران جشنواره این گونه سینمایی - که از آن به‌عنوان ژانر تبار بومی شده سینمای ایران یاد می‌شود - همچنین یک زمانی تنها راه یا یکی از معدود راه‌های پیش پای نویسندگان به دنیای کارگردانی بود و بیشتر فیلمسازان دهه‌های شصت و اوایل هفتاد با ساخت فیلم در این ژانر یا به دنیای سینما گذاشته‌اند.

نخستین فیلم دفاع مقدسی که عنوان بهترین فیلم جشنواره را به دست آورد، پرواز در شب مرحوم رسول ملاقلی پور بود که در دوره پنجم این عنوان را کسب کرد. پرواز در شب فیلم قدرتمند و گرمی بود که علاوه بر داوران جشنواره توجه منتقدان را نیز به خود جلب کرد. اتفاقی که در دوره بعد نیز برای کانی ملنگای سیفالله داد پیش آمد.

دوسال بعد از کانی ملنگا فیلم مهاجر ابراهیم حاتم‌کیا در دوره هشتم یک بار دیگر یک فیلم دفاع مقدسی را سیمرخ کرد. این برای نخستین بار بود که حاتم‌کیا سیمرخ می‌گرفت. اتفاقی که بعدتر بارها و بارها تکرار شد و این کارگردان را به افتخارات قابل ملاحظه‌ای در جشنواره فجر رساند.

حاتمی‌کیا یک بار دیگر در دوره یازدهم و این بار با فیلم از کرخه تا این سیمرخ بهترین فیلم را در دست گرفت. از کرخه تا این ابراهیم حاتم‌کیا را برای دومین بار به‌عنوان بهترین فیلم رساند و این در تاریخ ۱۰ ساله این جشنواره برای نخستین بار رخ می‌داد. سومین سیمرخ حاتم‌کیا پنج‌سال بعد به دستش رسید. آن هم در زمانی که مجید مجیدی با دو سیمرخ



عکس از فیلم کرخه تا این

بهترین فیلم‌های کمدی و تاریخی...

تاریخ کمدی مردمی تراژیک...

سینمای تاریخی و البته سینمای کمدی دو گونه بر طرفدار هستند؛ با مخاطبانی پر شمار. گذشته از این وجه اشکال تشابه، اما، در جشنواره‌ها این دو ژانر محبوب سرنوشتی یکسر متفاوت را تجربه کرده‌اند. در واقع هر چه سینمای تاریخی در جشنواره‌ها مورد استقبال و اقبال واقع شده، سینمای کمدی از بی توجهی‌ها رنج برده‌است. این واقعیت البته ناظر به مراسم و جشنواره‌های غربی است و گرنه در جشنواره فجر هر دو این ژانرها زیر سایه مسلودرام و جنگ مانده‌اند که البته این امر بی‌ارتباط به تعداد اندک فیلم‌های ارزشمند این ژانرها - به‌خصوص تاریخی - نمی‌تواند باشد. این دو ژانر در سسی و چهار دوره جشنواره پنج سیمرخ بهترین فیلم گرفته‌اند که در مقایسه با سینمای جنگی اندک و ناچیز جلوه می‌کند.

البته سینمای کمدی و سرنوشته غمبارش در فستیوال‌ها، منحصراً به جشنواره فجر خودمان نیست و این امر تقریباً در تمام دنیا رخ می‌دهد. می‌توان گفت که جز مراسمی چون گلدن گلوب که فیلم‌های درام و کمدی را در دو بخش مجزا داوری می‌کنند، در بیشتر موارد این گونه محبوب و پرطرفدار زیر سایه آثار جدی نمانده می‌ماند. اما این قضیه در جشنواره خودمان غلیظ‌تر است؛ چنان که حتی دست فیلم‌هایی چون اجارنشین‌ها و میکس داریوش مهرجویی، ای ایران ناصر تقوایی و بی‌بولی حمید نعمت‌الله هم به سیمرخ ساله جشنواره فیلم فجر فقط و فقط دو فیلم توانستند برنده سیمرخ بهترین فیلم این جشنواره لقب گیرند.

نخستین جایی که یک فیلم تاریخی بهترین فیلم شد، دوره هفتم بود که فیلم در مسیر تک‌تداب مسعود جعفری جوزانی این افتخار را به دست آورد. داستان این فیلم در زمان جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط ارتش متفقین روایت می‌شود و درباره دربار دکتوری به نام راستان است که برای مداوای شوهر خواهر خود به ایل شقایقی می‌رود و آن‌جا درگیر اتفاقاتی خاص می‌شود.

سینمای کمدی هم دوسال بعد، یعنی در دوره نهم نخستین سیمرخ بلورینش را به دست آورد. در این



عکس از فیلم مهمانان

جشنواره‌های برنده جشنواره!

... و یک ژانر متولد شد!

فیلم داوودنژاد می‌دانند، در این دوره رقابتی قدری را برای تصاحب سیمرخ بهترین فیلم پشتسر گذاشت و بعد از فجر، این فیلم در جشنواره‌هایی چون فیلم‌های جشنواره کودکان و نوجوانان، داستان دل مدیران جدید رزده، و گرنه بدون جشنواره دادن جشنواره فجر به این نوع سینما قطعاً و حتماً سینمای جشنواره‌های ایران را توان ادامه حیات اقتصادی نبود.

در واقع باید گفت سینمایی که بعداً نوع منتقد و معترض آن به سینمای جشنواره‌های معروف و مغضوب مدیران، مسئولان و البته منتقدین آیدنولوژیک شاغل در نشریات حکومتی قرار گرفت؛ از همان نخستین دوره‌های جشنواره فجر مورد توجه داوران این رخداد قرار گرفته و بارها و بارها عنوان بهترین فیلم این جشنواره به این فیلم‌هایی تعلق گرفته است. این در حالی است که نوع اجتماعی‌تر و معترض‌تر این سینما به دلیل تکیه بر واقعیات سیاه اجتماعی و برهیز از امیدبخشی و رویاسازی و رویا فروشی کاتب همواره به اتهام سیاه‌نمایی بدترین برخوردها را متحمل شده. بار اول در دوره چهارم جشنواره بود که این نوع سینما در جشنواره فجر درخشید.

فیلم‌های جشنواره معرفی شدند که اولی‌ها مستندی به کارگردانی عباس کیارستمی و بهار فیلمی است به کارگردانی و نویسندگی ابوالفضل ایرانی در فستیوال‌های جهانی شناخته شده - و سالیان سال به‌عنوان توتن از سینماگران محبوب ایرانی در فستیوال‌های داخلی شناخته شده - و چون آنسوی مه و... و شگفت که در دوره بعدی نیز جایزه بهترین فیلم به این فیلمساز رسید و این بار با فیلمی که در همان دوره جشنواره حاققل ۱۰ فیلم بهتر از آن وجود داشت. نام این فیلم به همین سادگی بود...



عکس از فیلم چهامان

سینمای جشنواره‌های ایران حکایت بازمانده دارد. این شبه‌گونه سینمایی که الان چندسال است مغضوب واقع شده، می‌توان گفت که دست‌نرخ مدیران سینمایی بعد از انقلاب است که این دل مدیران جدید را زده، و گرنه بدون جشنواره دادن جشنواره فجر به این نوع سینما قطعاً و حتماً سینمای جشنواره‌های ایران را توان ادامه حیات اقتصادی نبود.

در دوره سیزدهم یک فیلم تاریخی دیگر بهترین فیلم جشنواره می‌شود. این فیلم روز واقعه نام داشت و شهرام اسدی براساس فیلمنامه‌ای از بهرام بیضایی آن را جلوی دوربین برده بود. داستان روز واقعه درباره جوان نصرانی تازه مسلمان شده‌ای بود که در جریان عروسی‌اش، پس از شنیدن ندایی، بی‌باان به بیابان، به سمت کربلا می‌تازد و هنگامی که عصر عاشورا به آن جا می‌رسد، متوجه شهادت امام حسین (ع) و یارانش می‌شود.

سینمای کمدی دومین سیمرخ بهترین فیلمش را سیزده سال بعد از آهار تمان شماره ۱۳ در دوره بیست‌و دوم به دست آورد. در این دوره مهمان مامان داریوش مهرجویی بهترین فیلم جشنواره شد تا حداقل تا آن تاریخ سینمای کمدی و تاریخی از نظر تعداد سیمرخ‌ها برابری شوند.

مهمان مامان یک کمدی خانوادگی و پراز یگر است که ماجراهایی را که ورود یک مهمان عزیز برای یک خانواده فقیر باعث می‌شود، روایت می‌کند و می‌بینیم که چگونه همسایگان آنها دست‌به‌دست‌هم می‌دهند تا آبروی صاحبخانه را حفظ کنند...